



3

Vol. 10
Autumn 2025

Research Paper

Received:
2025/03/07
Revised:
2025/06/16
Accepted:
2025/06/17
Published:
2025/09/23
P.P: 41-60

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 2783-1450



State Studies of Contemporary Iran

Types of Government in the Political Thought of Imam Khomeini (RA) with Emphasis on Her Anthropological Foundations

Elahe Khani Arani ^{1*} | Mohammad Ali Akhavian ²

Abstract

A reflection on the intellectual system of Imam Khomeini (RA) shows that there is a complete connection, harmony, and solidarity between his political thought and the ontological and anthropological foundations of the Imam (RA). As an example, this research seeks to answer the question of what is the nature of states from the perspective of Imam Khomeini? The hypothesis of the present article is that Imam (RA) divides states, like humans, into two categories: rational and ignorant, based on the foundations of his anthropology. In his thought, human existential powers can be divided into four powers: rational, fearful, angry, and lustful. And exactly according to this pattern, it is possible to extract the types of states (virtuous, angry, and domineering, satanic and seductive, lustful, and bestial) and a combination of the three ignorant powers together. In this way, based on the Imam's stated division of human existential powers, one can reach different moments and periods of his political discourse, including the theory of types of government, types of rulers, and politics in his political thought.

Keywords: Imam Khomeini, Soul Powers, State, Political Thought, Anthropology.

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.

Email: e.khani@qom.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Islamic Studies, University of Qom, Qom, Iran.

Email: ma_akhaviyan.,@yhoo.com

Cite this Paper: Khani Arani, E; Akhavian, M A (2025). Types of Government in the Political Thought of Imam Khomeini (RA) with Emphasis on Her Anthropological Foundations. *State Studies of Contemporary Iran*, 3(10), 41–60.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



انواع دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با تاکید بر مبانی

انسان شناسی ایشان

الهه خانی آرانی^{۱*} | محمدعلی اخویان^۲

چکیده

تعمق در نظام فکری امام خمینی (ره) نشان می دهد بین اندیشه سیاسی ایشان و مبانی هستی شناسی و انسان شناسی حضرت امام (ره) پیوند و هماهنگی و همبستگی کامل وجود دارد. به عنوان یک مصداق، این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که ماهیت دولتها از نگاه امام خمینی چیست؟ فرضیه نوشتار حاضر این است که حضرت امام (ره) بنا به مبانی انسان شناسی خویش، دولتها را همچون انسانها به دو دسته عاقله و جاهله تقسیم می کند. در اندیشه ایشان، قوای وجودی انسان به چهار قوه عاقله، واهمه، غضبیه و شهویه قابل تقسیم است و دقیقاً مطابق با این الگو، می توان انواع دولت (فاضله، غضبیه و سلطه جو، شیطانی و اغواگر، شهویه و بهیمیه) و ترکیبی از قوای سه گانه جاهله با یکدیگر را استخراج نمود. به این ترتیب، بر اساس تقسیم بندی بیان شده حضرت امام از قوای وجودی انسان، می توان به لحظه ها و وقته های مختلف گفتمان سیاسی ایشان از جمله نظریه انواع دولت، انواع حاکمان و سیاست ورزی در اندیشه سیاسی ایشان دست یافت. چنانکه چهار نوع دولت در اندیشه سیاسی ایشان مطابق با قوای چهارگانه نفس انسان است.

کلیدواژه ها: امام خمینی، قوای نفس، دولت، اندیشه سیاسی، انسان شناسی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: e.khani@qom.ac.ir

۲. دانشیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: ma_akhaviyan,,@yhoo.com

استناد: خانی آرانی، الهه؛ اخویان، محمدعلی، (۱۴۰۴). انواع دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) با تاکید بر مبانی انسان

شناسی ایشان، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۳(۱۰)، ۶۰-۴۱.

DOR:



مقدمه و بیان مسئله

دولت، ماهیت آن، وظایف آن، دامنه فعالیت و قدرت آن، یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین مفاهیم سیاسی و از مباحث اصلی علم سیاست به شمار میرود. از همین رو، بسیاری از اندیشمندان سیاسی چه در یونان باستان، چه در جهان اسلام و چه در جهان غرب، به بحث و نظریه پردازی در این خصوص پرداخته‌اند. افلاطون و ارسطو به عنوان بنیانگذاران این موضوع به ترسیم انواع دولتهای آرمانی (مطلوب) و نامطلوب از دیدگاه خویش پرداخته‌اند. در میان متفکران غربی نیز افراد زیادی از هابز تا ماکیاولی، از لاک تا روسو و مارکس و هگل، به بیان نظریات خود درباره دولت و ماهیت آن پرداخته‌اند. متفکران و علمای مسلمان در خصوص ماهیت دولت، انواع دولت و همچنین شاخصه‌های دولت مطلوب نظریات و دیدگاه‌های برجسته‌ای ثبت کرده‌اند. به طور خاص، فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا در این زمینه صاحب نظرانی مدون و مختص به خویش هستند. پژوهش حاضر تلاش می‌کند دیدگاه حضرت امام خمینی به عنوان اولین فقیه شیعه که خود اقدام به تشکیل دولت کرده است را بررسی کند. به طور کلی اندیشمندان مسلمان، دولت را به دو بخش متمایز تقسیم بندی کرده‌اند:

۱. دولت فاضله (شامل دولت حضرت رسول، ائمه معصومین و دولتی که در راس آن، رئیس سنت قرار دارد).

۲. دولت غیرفاضله. از منظر متفکران و فیلسوفان سیاسی از فارابی تا خواجه نصیرالدین طوسی، ملاصدرا، ملاحادی سبزواری، علامه طباطبایی و امام خمینی (ره)، مدینه فاضله به دنبال رساندن انسان‌ها به سعادت است و مدینه‌های غیرفاضله در نقطه مقابل آن قرار داد. از نگاه اندیشمندان مسلمان، هیچ یک از نظام‌های پادشاهی و سلطنتی، نظام مشروع نبوده‌اند زیرا فاضله نبودند بلکه در ردیف دولت‌های غیرفاضله قرار می‌گیرند. چنانکه فقهای مسلمان با تقسیم بندی دوگانه حکومتها به «عادل» و «جائر» تنها حکومت معصومین و نایب آنها را به عنوان حکومت عادل می‌پذیرند و حکومتهای سلطنتی و شاهنشاهی را در زمره حکام جور قلمداد می‌کردند. به عنوان مثال، فارابی، دولت‌های غیرفاضله را شامل ۳ دسته دولت می‌شمارد.

۱. دولت جاهله (دولتی که نه خیر و سعادت را می‌شناسد و نه قصد نیل به آن را دارد).

۲. دولت ضاله (دولتی که راه درست را گم کرده و راه انحرافی و نادرست در پیش گرفته)
۳. دولت فاسقه (دولتی که راه درست را می شناسد ولی در عمل همچون مدینه های جاهله رفتار می کند. (فارابی، ۱۳۵۸: ۲۵۶-۲۵۸)

همچنین ملاصدرا با طرح موضوع «حکمت سیاسی متعالیه» و تقسیم دولتها به دو گونه «دولت متعالیه» و «دولت متدانیه» به موضوع رهبری سیاسی مجتهدان پرداخته و ارتباط دین و سیاست را همانند ارتباط روح و جسم می شناسد. در اندیشه او، دولت متعالیه به جهان طبیعت و فراتر از جهان طبیعت نظر دارد، درحالی که دولت متدانیه (دنیاگرا) فقط شامل امور این جهانی می گردد. دولت متعالیه از مشروعیت الهی و مردمی براساس آموزه های اسلامی برخوردار است و هدف آن، تدبیر حیات اجتماعی در جهت نیازهای فطری انسان ها در دو ساحت مادی - معنوی و دنیوی - اخروی است. (ر.ک: شیرازی، ۱۳۶۸ و شیرازی، ۱۳۶۲: ۵۷۶-۵۷۷)

نگاهی به نظرات متفکران سیاسی نشان می دهد، موضع اتخاذ شده در مباحث هستی شناختی و انسان شناسی توسط مکتب و حتی هر متفکری تأثیر مستقیمی در اندیشه و دیدگاه های سیاسی او دارد. به عنوان نمونه، پاسخ به پرسش هایی نظیر مبدأ پیدایش و آفرینش انسان، ماهیت وجود انسان، اهداف و غایت آفرینش انسان و... مسائلی است که با هر دستگاه اعتقادی به آن پاسخ داده شود، دستگاه سیاسی ویژه ای را پی ریزی خواهد کرد. اندیشه سیاسی حضرت امام نیز از این قاعده مستثنی نیست و بر اساس نگاه هستی شناختی و انسان شناختی ایشان بنا نهاده شده است. انسان شناسی امام خمینی (ره)، بخشی از هستی شناسی ایشان است. چرا که ایشان، انسان را نه به عنوان یک موجود تنها بلکه در کلیت هستی و به مثابه بخش اصلی آن ارزیابی و بررسی می کند. مدعای پژوهش حاضر آن است که اندیشه سیاسی امام (ره) بر اساس همین نگاه هستی شناختی و انسان شناختی ایشان بنا نهاده شده است و تلاش پژوهش حاضر آن است که با استفاده از روش تحلیل گفتمان، به استخراج دال مرکزی و عناصر گفتمان سیاسی حضرت امام درخصوص انواع دولت پردازد.

مبانی نظری پژوهش

نظریه گفتمان لاکلا و موفه،^۱ به عنوان نظریه ای منسجم، چارچوب تحلیلی مناسبی برای بررسی پدیده های اجتماعی - سیاسی در سطح کلان ارائه می کند. لاکلا و موفه با وامگیری مفهوم گفتمان فوکو و بهره گیری از نظریات تئورسین هایی مثل سوسور، دریدا، بارت، لاکان، گرامشی و آلتوسر، نظریه کارآمدی با قابلیت انسجام و تحلیل مناسب را شکل دادند. گفتمان در این نظریه، نظام معنایی بزرگتر از زبان است و شامل بخش‌هایی از حوزه اجتماع است و شامل مجموعه‌ای از نشانه‌هاست. لاکلا و موف، مفهوم صورتبندی گفتمانی فوکو را به مفهوم «مفصل‌بندی» تغییر دادند؛ به مفهوم فرآیندی است که نشانه‌ها به واسطه آن با یکدیگر پیوند می‌خورند (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۶۳) و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. از نظر لاکلا و موف، پدیده‌ها و رفتارها زمانی قابلیت فهم می‌یابند که در چارچوب گفتمان خاصی قرار گیرند. هر عملی هویتش را از گفتمانی که ذیل آن قرار دارد، به دست می‌آورد. چنانکه هوارث می‌گوید: برداشت لاکلا و موف از گفتمان همان شخصیت رابطه‌ای^۲ هویت است. کلام، رفتار، کردار و نهادها با توجه به بافت کلی که جزئی از آن هستند، معنای اجتماعی می‌یابند. و هر فعالیتی را طبق گفتمان خاصی که در آن قرار دارد، باید فهم کرد و شناخت. (همان: ۱۶۲).

این نظریه به دلیل تأکید بر مسائلی هم چون هویت به عنوان یک مدل مطلوب سیاست فرهنگی برای جامعه شناسی سیاسی جدید شناخته شده است و لذا با استفاده از این نظریه می‌توان کلیت گفتمانی اندیشه های سیاسی را توضیح داد. لاکلا و موفه در فصل سوم کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی نظریه ی گفتمان خود را طرح می‌کنند: هر فعلی که منجر به برقراری رابطه بین اجزا و عناصر گردد، به نحوی که سبب تعدیل هویت آن عناصر شود، مفصل بندی نامیده می‌شود. کلیت ساختاردهی شده ی حاصل از عمل مفصل بندی، گفتمان نام دارد. "وقته" به جایگاه های تمایز گفته می‌شود زمانی که ذیل یک گفتمان مفصل بندی شوند. در نقطه مقابل آن، "عنصر" قرار دارد و به معنای هر تفاوتی است که از جهت گفتمانی مفصل بندی شده نباشد." (Laclau and Mouffe, 2002: 105)

1 Laclau and Mouffe's Discourse Theory

2 relational

برخی مفاهیم اساسی تحلیل گفتمان

مفاهیم اصلی نظریه ی گفتمان لاکلا و موفه را می توان به صورت زیر مشخص کرد: مفصل بندی^۱: هر عملی که میان عناصر مجزا و پراکنده ارتباط برقرار کند، به نحوی که معنا و هویت آن عناصر را تعدیل کند. (همان، ۱۰۵)

گفتمان: کلیت ساختار بندی شده ای است که نتیجه مفصل بندی است. گفتمان ها مجموعه ای از نشانه ها هستند که به نحو معناداری با یکدیگر مرتبط شده اند. گفتمان ها مجموعه ای از کدها، اشیاء، افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی قرار گرفته و تثبیت شده اند و هویت خویش را در کنار مجموعه ای از دیگری ها کسب می کنند. گفتمان ها، درک و تصور ما از جهان و واقعیت ها را تشکیل می دهند. (laclau and Mouffe, 2002: 139)

نقطه ی کانونی یا دال مرکزی^۲: در هر مجموعه گفتمانی، دال مرکزی، همان نشانه ای است که سایر نشانه های درون گفتمان را به خود جذب می کند و به آن ها هویت و معنا می دهد. (laclau and Mouffe, 2002: 112)

عناصر^۳: دال ها و نشانه هایی است که معنی تثبیت شده ای ندارند و گفتمان های متفاوت تلاش می کنند به آنها معنا دهند. در حقیقت، عناصر همان دال های شناور هستند که هنوز در قالب یک گفتمان گنجانده نشده اند. به همین دلیل، گفتمان های رقیب در تکاپو هستند تا بر آنها سلطه پیدا کنند و هویت دلخواه خویش را به آن ها ببخشند.

لحظه ها یا وقته ها^۴: دال ها و عناصری هستند که ذیل یک گفتمان مفصل بندی شده اند و معنا و هویت خاصی پیدا کرده اند. این هویت ها و معناها کاملاً تثبیت شده نیستند و ممکن است با مفصل بندی های جدید، تغییر یابند.

زنجیره هم ارزی و تفاوت^۵: مفصل بندی دال های اصلی در مقام عمل، در یک زنجیره های هم ارزی با هم ترکیب می شوند. این دال ها به خودی خود معنایی ندارند مگر آنکه به واسطه زنجیره هم ارزی با سایر نشانه ها، ترکیب شوند و در برابر هویت های منفی تهدید کننده قرار گیرند. گفتمان ها

1 Artculation
2 Nodal point
3 Elemints
4 Moments
5 Equivalence –Difference

توسط زنجیره‌ی هم‌ارزی، نظم و انسجام می‌یابند و تعارض‌ها را می‌پوشانند. از طریق زنجیره هم‌ارزی، عناصر خصوصیت‌های متفاوت و معانی رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان می‌سازد، فعال می‌شوند. مثلاً در واکنش به نژادپرستی سفیدپوستان، تمام افراد غیرسفید چه هندی تبار و چه آسیایی و آفریقایی و یا زن و مرد در زنجیره هم‌ارزی گفتمان سیاه‌قرار می‌گیرند و تفاوت‌های اصلی آن‌ها با یکدیگر فراموش می‌شود. (Laclau and Mouffe, 1985:127)

حوزه گفتمانی^۱: وزه گفتمانی، به مجموعه معانی بالقوه گفته می‌شود که خارج از منظومه گفتمانی قرار دارد. دال‌های حوزه گفتمانی همچون ظرف‌های خالی هستند که می‌توانند هر معنی بالقوه را بیابند. انتخاب یک معنا سبب می‌شود دیگر معانی طرد شوند و بستر برای ایجاد مفصل بندی جدید و تشکیل یک گفتمان جدید مهیا شود.

تعریف دولت

دولت^۲ از نظر لغوی، از ریشه لاتینی State به معنی وضع مستقر گرفته شده است و با مفهوم مقام و جایگاه و ثبات وضعیت ارتباط دارد. State در ریشه یونانی برابر با مقام و جایگاه حاکمی بود که وضعیت و موقعیت برتر و ثابت و با دوامی داشت. (وینست، ۱۳۸۲: ۳۶۱) در تعریف حقوقی، دولت واحدی است با چهار ویژگی: جمعیت، حکومت، سرزمین و حاکمیت (انحصار قدرت).

تعریف دولت که در این پژوهش مدنظر است، آن است که دولت سازمانی است متشکل از کارگزاران متعدد که از توانایی و اقتدار لازم برای وضع و اجرای قواعد الزام‌آور برای همه مردم بهره‌مند است و در صورت لزوم می‌تواند زور مشروع استفاده کند. (Migdal, 2001: 16)

در کلام امام خمینی، دولت گاه به معنای «حکومت، حاکمیت و اصل نظام» به کار رفته است. به عنوان مثال می‌فرماید: «دولت بدون پشتیبانی مردم نمیتواند کار انجام دهد.. این مردمند که این جمهوری را به اینجا رساندند و این مردمند که باید این جمهوری را راه ببرند تا آخر...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱۹: ۳۷) حضرت امام در برخی موارد دولت را به معنای «قوه مجریه» و جزئی از نظام به کار برده‌اند. به عنوان مثال می‌فرماید: «ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولتها بکند که به خدمت ملت هستند.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۴۶۱)

1 Field of Discursively

2 State

در این مقاله، معنای اول از دولت در کلام حضرت امام مدنظر است. همچنین باید توجه داشت الگوی حاکم بر ذهن فقهای شیعه و از جمله حضرت امام (ره) الگوی مبتنی بر امت واحده اسلامی است و واژه دولت در آن به معنای حکومت و سلطه مبتنی بر قدرت است و نه به معنای استیت و وضع مستقر. با این معنا از دولت است که مباحث مربوط به انواع مدینه و انطباق آن بر مصادیق روز قابل معناست.

پیشینه پژوهش

در خصوص دیدگاه امام خمینی درباره ماهیت دولتها و انواع آنها تاکنون پژوهشهای اندکی صورت گرفته است. در میان تحقیقات صورت گرفته، مقاله «نظریه دولت مطلوب در اندیشه امام خمینی» (رکابیان و لکزایی، ۱۳۹۵) به تبیین مفهوم دولت مطلوب و تطابق جمهوری اسلامی و حکومت ولایت فقیه با آن پرداخته شده است. همچنین در مقاله «دولت اخلاقی در آرای سیاسی امام خمینی» (زهیری، ۱۳۸۲) به بیان نظرات امام خمینی در خصوص شاخصه های دولت اخلاقی نظیر دفاع از شریعت، انسان سازی و برپایی عدالت پرداخته است. کاظم پورطاهری در پایان نامه با عنوان تاثیر مبانی هستی شناختی و معرفت شناختی امام خمینی در کنش انقلابی ایشان پرداخته است و بر این باور است دیدگاه امام نسبت به جهان هستی و شناخت است که نگرش جامع و کل نگر ایشان به هستی و حیات سبب پیوند دین و سیاست در بینش معرفتی ایشان میشود. رضوانی (۱۳۸۱) نیز در مقاله «اصول و شاخص های کارآمدی دولت در اندیشه امام» بیست شاخص مهم کارآمدی دولت را با عناوین کارآمدی حقوقی، اخلاقی، مدیریتی، اقتصادی و سیاسی با استفاده از صحیفه حضرت امام (ره) استخراج کرده است. کتاب «نقش راهبردی دولت در نظریه سیاسی امام خمینی» نیز به نویسندگی علیرضا صدرا به تبیین چیستی، مفهوم و مبانی و نقش راهبردی دولت در نظریه سیاسی و نظام اندیشگی حضرت امام پرداخته و هم مبادی و هم غایت ها و آثار این امر را تشریح کرده است. با این وجود، تاکنون تحقیق ویژه ای در خصوص ماهیت دولت ها در اندیشه سیاسی امام خمینی خصوصا با توجه به مبانی انسان شناسی ایشان صورت نگرفته است. پژوهش حاضر تلاش می کند از نگاه دیگری، همبستگی و پیوستگی نظام فکری حضرت امام (ره) در همه وجوه را اثبات کند و سپس ماهیت و انواع دولت ها به عنوان یکی از مصادیق این همبستگی و پیوستگی را بررسی نماید.

روش‌شناسی پژوهش

نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و کنکاش در کتب و مقالات مرتبط با موضوع است.

یافته‌های پژوهش

اندیشه سیاسی حضرت امام بر اساس نگاه هستی‌شناختی و انسان‌شناختی ایشان بنا نهاده شده است. ایشان دولت را در یک بافت کلان هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی ارزیابی می‌کند. در این بین، بحث درباره انسان، در کانون توجه ایشان قرار دارد. حضرت امام در غالب آثار خود از جمله کتاب‌های مصباح‌الهدایه، تقریرات فلسفه امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، آداب الصلوه، سرالصلوه، تفسیر سوره حمد، شرح چهل حدیث و شرح دعای سحر نگاه ویژه‌ای به انسان و ساختار وجودی او دارند و در این آثار، انسان و شناخت او، مبحث اصلی را شکل می‌دهد. در نگاه ایشان، انسان نسخه کوچک و عصاره همه عالم است. در نگاه ایشان، «انسان مجموعه‌ای کوچک از همه آفرینش است. گویا خداوند دو نسخه در آفرینش آفریده است: نسخه اول، کل عالم و نسخه کوچکتر، انسان به عنوان عصاره همه موجودات. (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۲۵۴)

انسان‌شناسی امام خمینی (ره)، بخشی از هستی‌شناسی ایشان است. چرا که ایشان، انسان را نه به عنوان یک موجود تنها بلکه در کلیت هستی و به مثابه بخش اصلی آن ارزیابی و بررسی می‌کند. از دیدگاه ایشان، ماهیت انسان و گستره حیات و زندگانی او با جایگاه کلی او در کل جهان هستی مرتبط است. چرا که انسان به مثابه آفریده‌ای است که به سبب دارا بودن قوه ناطقه و عقلانیت، قدرت اندیشیدن دارد و به سبب دارا بودن آزادی و اختیار، قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب مسیر زندگی خویش را دارد. انسان در اندیشه امام خمینی چنان اهمیت دارد که از نگاه ایشان، انسان موضوع و هدف اصلی ادیان و نیز رسالت پیامبران و حتی شان نزول قرآن است: «قرآن کریم کتاب انسان است. موضوع علم انبیا انسان است. هر چه هست با انسان حرف است.» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸: ۳۲۵)

از این رو، اندیشه سیاسی حضرت امام نیز متأثر از نگاه انسان‌شناسانه ایشان است و پایه تفکر سیاسی ایشان را شناخت ویژه از انسان تشکیل می‌دهد.

بنیان انسان شناختی حضرت امام: دوقوه ای بودن عالم (عقل و جهل - نور و ظلمت)

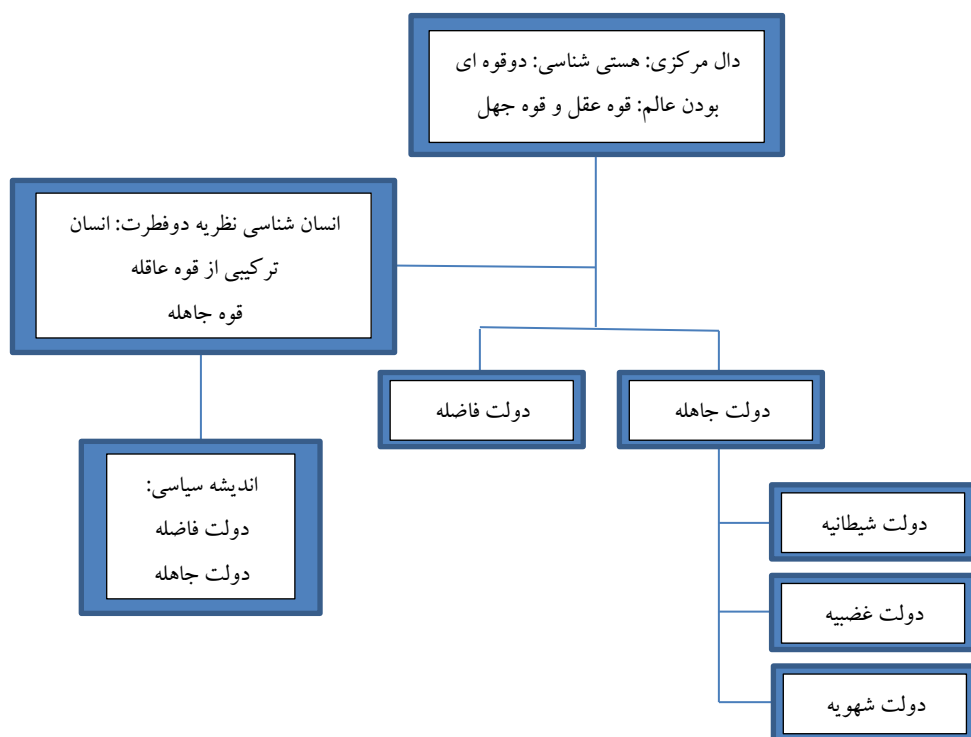
بنیان هستی شناختی و انسان شناختی امام (ره) در آثار و آرای مختلف، با توجه به تفکیک ایشان از بنای عالم بر **دوقوه عاقله و جاهله** بنا نهاده شده است که البته در آثار مختلف ایشان در بیان ها و قالب های مشابهی نیز مطرح شده است: «انسان اُعجوبه ای است دارای دو نشئه و دو عالم: نشئه ظاهره ملکیه دنیویه که آن بدن او است؛ و نشئه باطنه غیبیه ملکوتیه که از عالم دیگر است. و نفس او... دارای مقامات و درجاتی است... و از برای هر یک از مقامات و درجات آن، جنودی است رحمانی و عقلانی که آن را جذب به ملکوت اعلی و دعوت به سعادت می کنند، و جنودی است شیطانی و جهلانی که آن را جذب به ملکوت سفلی و دعوت به شقاوت می کنند؛ و همیشه بین این دو لشکر، جدال و نزاع است.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۵).

از دیدگاه امام خمینی (ره) نفس انسانی از قوای چهارگانه (عاقله، شهویه، غضبیه، وهمیه) تشکیل شده است و رذایل و فضایل نفسانی بر اساس غلبه هر یک از این قوا شکل می گیرد: «وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان گردند، اگر آن ها را تسلیم عقل سلیم و انبیای عظیم الشأن نمایند. و ممکن است از جنود شیطانی باشند، اگر آن ها را سرخود گردانی و وهم بر آن دو قوه، با اطلاق عنان، حکومت دهی... این قوا هر یک می خواهند کار خود را انجام دهند و به مقصود خویش نایل شوند، اگر چه مستلزم فساد و هرج و مرج هم شود.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۶-۱۷)

«صورت ملکوتی اش صورت یکی از بهایم است مناسب با آن خُلق. و اگر ملکه غضب و سُبُعیت بر باطن و سریره اش غلبه کند و حکم مملکت باطن و سریره، حکم سبع شود، صورت غیبیه ملکوتیه، صورت یکی از سیاع است. و اگر وهم و شیطنت ملکه شد و باطن و سریره اش دارای ملکات شیطانیه شد، از قبیل خدعه، تقلب، نیمه، غیبت، صورت غیب و ملکوتش صورت یکی از شیاطین است به مناسبت آن. و گاهی ممکن است به طریق ترکیب، دو ملکه یا چند ملکه منشأ صورت ملکوتی شود. آن وقت به شکل هیچ یک از حیوانات نمی شود؛ بلکه صورت غریبی پیدا می کند که هیچ آن صورت مدهش و موحش بد ترکیب، در این عالم سابقه ندارد.» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۱۵)

همچنین مفهوم مرکزی در انسان‌شناسی حضرت امام خمینی «فطرت» است که انسان را از سایر مخلوقات متمایز و منفک می‌سازد و سایر موجودات یا دارای اینگونه فطرت نیستند، یا ناقصند و بهره کمی از آن دارند. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۸۰) فطرت نوعی توانایی بالقوه و عنصر قوام بخش و مشترک میان تمام انسان‌هاست که برای حرکت او به سمت کمال به ودیعه نهاده شده است. همگرایی و اشتراک ذاتی عناصر فطری در انسان‌ها سبب وحدت انسان‌هاست و راه حل حضرت امام برای رفع اختلافات انسان‌ها نیز تنبیه و آگاهی بخشی و پرورش فطرت است. (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۱۸۱)

در نگاه ایشان، ماهیت انسان، سیال و دوجهبی است. حضرت امام، ماهیت وجودی انسان را نه بدسرشت نه نیک سرشت می‌داند. از دیدگاه ایشان انسان با فطرت نیک و پاک به دنیا می‌آید و بر حسب اختیار و آزادی ذاتی اش می‌توان یکی از دو راه سعادت یا شقاوت را انتخاب کند. (سلیمانی، ۱۴۰۱: ۸۷-۱۱۷)



قوای چهارگانه نفس

امام خمینی (ره) قوای نفس را به چهار قوه عاقله، واهمه، غضبیه و شهویه تقسیم می‌کند. قوه عاقله، قوه تکامل بخشی است که مایل به خیرات و کمالات و دعوت کننده به عدالت و نیکی است. در مقابل قوه عاقله، قوه واهمه یا قوه شیطانیه قرار دارد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۳)

قوه عاقله

از نظر امام خمینی (ره)، انسان واجد شرایط نیل به مقام خلیفه الهی است و اگر استعدادها و توانایی های خود را در مسیر صحیح رشد و تعالی دهد به چنین مقامی نایل خواهد شد. مهمترین ویژگی انسان که او را به چنین مقامی می‌رساند، قوه عاقله است که به انسان قدرت تمییز حسن و قبیح را می‌دهد. در واقع انسان با داشتن توانایی تعقل است که راه سعادت و عدالت را می‌پیماید و به مقام جانشینی خدا نایل می‌شود. بنابراین، عقل به انسان ویژگی ای می‌بخشد که او را لایق جانشینی خدا می‌کند. عقل و قوه عاقله که انسان را از دیگر موجودات امتیاز می‌بخشد و شرافتش از دیگر مخلوقات را بر همین امر استوار می‌نماید و اگر انسان از این نعمت عظمای الهی بهره ی لازمه را نبرد پا بر عرصه ی غیر انسانی نهاده و از حد و رسم انسانی خارج شده و در دائره ی کلی جهل قرار گرفته است. عقل در لغت هم بمعنای عقال و پایبند زدن آمده و هم قوه استدلال و استدراک را. معنای اول هم صحیح هست به این معنا که قوه عاقله پایبند به هوی و هوس می‌زند و هم معنای دوم که در لسان عرف بدان معنا رواج دارد. و دیگر آن که به حسب فطرت مایل به خیرات و کمالات می‌باشد و تمام این معانی به حسب لغت می‌باشد.

اما آنچه در کلام ائمه ی اطهار (علیهم السلام) و روایات آمده است عقل کلی عالم کبیر است که باطن و سرّ و حقیقت عقول جزئیه می‌باشد که برای ادراک این معنا با ممارست در علوم حقیقیه توحید و تجرید ظاهر می‌شود. و در مقابل عقل کل، وهم کلی می‌باشد که حقیقت شیطان بزرگ می‌باشد. طبق آنچه در روایت جنود عقل و جهل در ابتدای کتاب شریف اصول کافی از امام صادق منقول است: «عقل اولین مخلوق است که از روحانیون و مجردات است و از نور الهی است در مقابلش جهل است که نفوس آدمی را به به شرارت و پستی فرا می‌خواند که از دریای شور و تلخ آفریده شده و این بدان معناست که انسان جاهل همواره با دو صفت همراه است شهوت و

غضب. که انسان را به سمت ظلمت و تاریکی می برد.» (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۷) و برای هر کدام سربازانی نام برده است که عقل را سربازان الهی می باشد و جهل را سربازان ابلیسی. (همان)

قوه شیطانیه

از منظر امام خمینی (ره) قوه شیطانیه، قوه ای است که فطرتاً تحت نظام عقلی در نیامده و متمایل به دنیاست. مطابق این نظر، قوه عاقله واجد حقیقت نورانیه است درحالی که قوه واهمه، واجد تجرد برزخی ظلمانی است و این قوه بر حسب فطرت انسان، متمایل به شر و بدی و فساد است.

قوه غضبیه

اما قوه غضبیه یا نفس سبعی از نعمت های بزرگ خداوند است و هم در انسان و هم در حیوانات، عامل بقا است. به واسطه این قوه است که انسانها و البته حیوانات به دفع مفسدات و مخلات نظام جامعه می پردازند و از جان خود در برابر تهدیدات محافظت می کنند. از نگاه حضرت امام (ره) این قوه، تجلی صفت انتقام و غضب الهی است و آثار و فواید زیادی دارد. به عنوان مثال، جهاد با نفس و پرهیز از جنود جهل تحت تاثیر این قوه شریفه انجام می شود. به نحوی که اگر فردی فاقد این قوه باشد یا این قوه در او ضعیف باشد، بسیاری از صفات و ملکات خبیثه و خلقیات مذموم همچون ترس، جبن، ضعف، بی خیالی و تنبلی را در وجود خود خواهد داشت. اما اصل مهم این است که اگر این قوه بر خلاف مقاصد الهی مصروف شود. دیگر از جنود الهی به شمار نمی رود و در زمره جنود شیطانیه قرار خواهد گرفت. (امام خمینی، ۱۳۹۵: ۸۹)

قوه شهویه

چهارمین قوه، قوه شهویه یا نفس بهیمی است. این قوه هم از قوای شریفه است که خدا به انسان و حیوانات بخشیده تا نسل و حیات نابود نشود. اگر این قوه از میزان اعتدال و موازن عقلی و شرعی خارج نشود، می تواند موجب سعادت انسان شود و در غیراینصورت مایه شقاوت انسان خواهد شد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۰). با توجه به غلبه و سیطره هر یک از این قوا، بر انسان، حضرت امام خمینی (ره) به ترسیم ۸ گونه انسان می پردازد.

۱. انسان عقلانیت محور؛

۲. انسان شهوت محور؛

۳. انسان خشونت محور؛

۴. انسان شیطنت محور؛

۵. انسان شهوت -خشونت محور؛

۶. انسان شیطنت - شهوت محور؛

۷. انسان خشونت - شیطنت محور؛

۸. انسان خشونت - شهوت - شیطنت محور. (لک زایی، ۱۳۹۰: ۱۴۵)

حضرت امام در مقام تمثیل هر یک از این قوای نفسانی را به «گاو»، «خوک» و امثال آن، «پلنگ»، «گرگ» و امثال آن، «صورت یکی از شیاطین»، «گاو (خوک)-پلنگ»، «گاو (خوک)-شیطان»، «شیطان-پلنگ» و «خوک-پلنگ-شیطان» را به عنوان مثال، به ترتیب از شماره ۲ تا ۸ ذکر می‌کند. (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۴۳۵-۴۳۶)

لحظه های گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) و انواع دولت

بر اساس تقسیم بندی بیان شده حضرت امام از قوای وجودی انسان، می توان به لحظه ها و وقته های مختلف گفتمان سیاسی ایشان از جمله نظریه انواع دولت، انواع حاکمان و سیاست ورزی در اندیشه سیاسی ایشان دست یافت. از نگاه حضرت امام، اگر انسان در این دنیا، طریق انسانیت را سیر کند و هر سه قوه را تعدیل کرده و مطیع عقل و تحت میزان شریعت الهی درآورد، صورت او در عالم آخرت، صورت انسانی خواهد بود و برعکس اگر عقل او مطیع سه قوه دیگر باشد، در صورت غلبه هر کدام از آن قوا، صورت باطن ملکوتی نیز تجلی همان قوه خواهد بود. (همان: ۲۸۳-۲۸۴)

مطابق با این الگو، می توان انواع دولت (فاضله، غضبیه و سلطه جو، شیطانی و اغواگر، شهویه و بهیمیه) و ترکیبی از قوای سه گانه جاهله با یکدیگر را استخراج نمود. دولت فاضله از نظر گاه حضرت امام (ره) دولتی است که در آن قوه عاقله حاکم است و در آن همه قوا تابع عقل و فضیلت اند. در دولت غضبیه و سلطه جو، عقل و سایر قوا، تابع قوه تجاوزگر غضبیه هستند و به همین ترتیب در دولت های شیطانی و شهویه نیز قوای واهمه و شهویه بر سایر قوا غالب و فاتق آمده اند.

جدول شماره ۱. نسبت قوای وجودی انسان و انواع دولت (منبع: یافته های پژوهش)

| قوه عاقله | قوه واهمه | قوه غضبیه | قوه شهویه |
|------------|----------------------|--------------|-------------|
| دولت فاضله | دولت شیطانی و اغواگر | دولت سلطه جو | دولت حیوانی |

دولت فاضله

در دیدگاه حضرت امام (ره)، دولت فاضله دولت حکومت قوه عاقله است و حکومت اولیای الهی و نیز حکومت ولایت فقیه مصداقی از چنین حکومت فضیله‌ای است که با هدف رساندن انسان‌ها به کمال واقعی خویش، طراحی شده‌اند. شاخصه‌های اصلی دولت فاضله عبارتند از: حکومت مردم‌محور، حکومت عدل، تهذیب انسانها و حکومت بر قلبها

۱- دولت فاضله (مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی): امام خمینی بر این باورند که حکومت متعلق به خداوند است و تنها کسی حق حاکمیت بر مردم را داراست که از سوی خداوند تأیید شده باشد. از منظر ایشان تنها حکومتی مشروعیت دارد که مورد تأیید خداوند، و سلسه ولایت پیامبر و امامان ناشی از تأیید خداوند باشد. همچون مشروعیت ولایت فقیه. (خلیلی، ۱۴۰۳: ۵۱-۵۲) همچنین از نگاه امام خمینی، محور حکومت در دولت فاضله، مردم هستند: «حکومت مستضعفان در مدینه فاضله، حکومت از مردم انشاء می‌شود و مردم محورند، نه ابزار دست حاکمان. زمامداران نباید متوقع باشند که مردم دائماً در خدمت آن‌ها باشند و تابع خواست آن‌ها؛ بلکه باید خود را خدمت‌گزار مردم بدانند و بر این خدمت‌گزاری شاکر باشند: حکومت باید خدمت‌گزار ملت‌ها باشند؛ چنانچه در اسلام این سیره بود که حکومت در خدمت مردم بود و ارتش در خدمت مردم بود؛ حکومت‌ها از مردم انشاء می‌شدند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۱۷)

بانیان مدینه فاضله، مستضعفان و پابرهنگانند که پیش از آن، مورد ظلم و ستم قرار گرفته بودند و این طبقه در طول تاریخ اثبات کرده‌اند که مدافع حق و حقیقت و عدالت و راستی، و پشتیبان و حامی انبیای الهی بوده‌اند. تمام ادیان آسمانی از بین توده‌ها برخاسته‌اند و با کمک مستضعفین بر مستکبرین حمله برده‌اند. مستضعفین در همه طول تاریخ به کمک انبیا برخاسته‌اند و مستکبرین را به جای خود نشانده‌اند. در اسلام، پیغمبر اکرم از بین مستضعفین برخاست و با کمک مستضعفین، مستکبرین زمان خودش را آگاه کرد یا شکست داد. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۳۲۷)

۲- دولت فاضله (دولت تهذیب و تربیت انسانها): انگیزه اصلی مدینه فاضله، تربیت و تهذیب انسانها است که از طریق تخلق آحاد جامعه به شریعت اسلام، که اکمل و اتم شریعت‌ها است - محقق می‌شود. طبق اندیشه سیاسی امام خمینی، مدینه فاضله در حکومت اسلامی و اجرای احکام آن تجلی یافته است. غایت مدینه فاضله برقراری قسط و عدل و برادری و برابری است و این امر

جز با تربیت و تهذیب آحاد این جامعه میسر نمی شود. بنابراین برای ساختن مدینه فاضله، خودسازی شرط اول است: «خدا نکند انسان پیش از آن که خود را بسازد، جامعه به او روی آورد و در میان مردم نفوذ و شخصیتی پیدا کند؛ که خود را می بازد، خود را گم می کند. قبل از آن که عنان اختیار از کف شما رفته شود، خود را بسازید و اصلاح کنید.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ب، ص ۱۶) همچنین جامعه آرمانی حضرت امام منحصر در محدوده جغرافیایی خاصی نیست و جهانشمول است: «قانون اسلام می خواهد سرحدات را از جهان برچیند و یک کشور همگانی تشکیل دهد و تمام افراد بشر را زیر یک پرچم و قانون اداره کند.» (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۶۳).

۳- دولت فاضله (دولت عدل): وجه شاخصه دیگر دولت فاضله در اندیشه حضرت امام، برقراری عدالت است: «در جمهوری اسلامی، عدل اسلامی جریان پیدا می کند؛ عدالت الهی سایه می افکند بر تمام ملت.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ج ۶: ۵۲۵) حکومت عدل، یعنی حکومتی جامع همه فضایل: «انبیا به دنبال تحقق حکومت عدل بودند، چرا که اگر حکومت عدل باشد، با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزش های معنوی انسانی باشد، چنین حکومتی، جامعه را مهار می کند و تا حد زیادی اصلاح می کند... اگر آمال انبیا در یک کشوری تحقق پیدا بکند - ولو بعض آمال انبیا - آن کشور رو به اصلاح می رود.» (همان، ج ۱۶: ۱۶۲).

۴- دولت فاضله (حکومت بر قلبها): اسلام دین رأفت، عطوفت، برابری، برادری، مسالمت و مداراجویی است؛ و زمامداران حکومت فاضله باید بازتاب دهنده چنین دینی باشند. از ویژگی های اصلی دولت مطلوب و فاضله مد نظر حضرت امام (رع) این است که در میان قلب های ملت جای دارد. اگر اسلام توانست در مدت بسیار کوتاهی بر دو امپراتوری بزرگ زمان، یعنی ایران و روم، غلبه پیدا کند، تنها به واسطه همین ظرفیت های والای انسانی بود، نه عده و غده، و از طریق تألیف قلوب و حکومت بر قلب ها بود که توانست تازیان نیمه انسان را به سطح متعارف و والای انسانیت سوق دهد و آنان را بانیان تمدن بزرگ اسلامی و تأثیرگذار بر دیگر تمدن ها کند. هر چند سرزمین حجاز، محصور بین دو تمدن بزرگ ایران و روم بود، اما این دو تمدن هرگز نتوانستند بر منش و رفتار و باورهای این سرزمین تأثیر بگذارند و این اسلام بود که توانست جامعه بسیار وحشی و بدوی عرب را به جامعه ای فرهیخته تبدیل کند. (نیکویخت؛ ۱۳۹۵) بنابراین

حضرت امام با استناد به همین شواهد تاریخی متذکر می‌شود که تنها با حکومت بر قلب‌ها است که تمدن و حکومت اسلامی آسیب‌ناپذیر خواهد بود:

«با فتح قلوب، فتح ممالک نیز شود. فتوحات اسلامی در اثر فتح قلوب نظامی اسلامی بود؛ و الاً با آن عِدّه و عُده، این پیشرفت‌ها غیر ممکن بود» (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۱۵)

«اشکال مسلمین این است که در بسیاری از حکومت‌ها، حکومت بر ابدان است؛ آن‌ها هم با فشار؛ و لهذا موفق نیستند. اگر... کشورهای اسلامی حکومت بر ارواح بکنند و قلوب ملت‌ها را به دست بیاورند. با این کثرت جمعیت و با این مخازن زیاد، این‌ها آسیب‌پذیر نخواهد بود... به دوستان خودتان بگویید که کوشش کنند که قلوب مردم را به دست بیاورند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۱۸۰). حکومت بر قلوب، بر اساس رحمت، محبت، رأفت، ملایمت و مدارا به دست می‌آید، نه بر اساس خشونت، قساوت، شدت، تجبر و گرفتن و بستن و در زندگی خصوصی مردم وارد شدن: [در] اسلام آمده است که قلوب یک انسان را، قلب‌های انسان را که سرگردان هستند و کمال مطلق را به دنبال هستند و نمی‌دانند کجا است، این سرگردان‌ها را می‌خواهد هدایت کند، راهنمایی کند به آن راهی که به آن جا می‌رسند. (همان، ج ۱۲: ۵۰۶)

«دولت باید طوری باشد که اگر شکست خورد، مردم عزا بگیرند و برای حفظش قیام کنند.» (همان، ج ۱: ۱۱۶-۱۱۷)

از نگاه حضرت امام (ره) حکومت ولایت فقیه و جمهوری اسلامی ایران، مصداق عینی و عملی دولت فاضله است. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۵۲۵)

دولت‌های جاهله

نکته مهم آنکه طبق عقاید و آرای حضرت امام ترکیبی از هر سه قوه غضبیه، شیطنت و شهویه (به عنوان نمونه، غضبیه - شیطانی؛ غضبیه - شهوانی؛ شیطانی - شهوانی و سرانجام ترکیب سه تایی غضبیه - شیطانی - شهوانی امکان‌پذیر است. نگاهی به آرا و افکار حضرت امام (ره) نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، دولت استکباری امریکا مصداقی روشن از ترکیب سه تایی قوای جاهله هستند. اشاره امام (ره) به شیطان اکبر بودن امریکا (غلبه قوه شیطنت)، سلطه جویی و استعمارگری امریکا (غلبه قوه غضبیه) و اباحی‌گری و اشاعه فحش‌های این دولت (غلبه قوه شهویه)

در جای جای کلام ایشان، موبدی بر چنین برداشتی از دیدگاه سیاسی ایشان است. حضرت امام دولت آمریکا و نه ملت آن کشور را با عناوینی نظیر «جنایتکار تاریخ» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۱۶، ص ۱۹۱)، «ام الفساد» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۱۵، ص ۴۳۷)، «شیطان بزرگ» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۱۰، ص ۴۸۹)، «جهان خوار» و «دشمن کینه توز مستضعفین جهان» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۱۵، ص ۱۷۱)، و «چپاولگر بین المللی» (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۲۱، ص ۴۲۰) می داند. حضرت امام دولت آمریکا را حتی فاقد شرافت انسانی می داند و معتقدند دولت آمریکا با اصل عدالت و حقوق بشر مخالف است. (امام خمینی، ۱۳۷۸ الف، ج ۱۱، ص ۲۹۶) چنانکه دولت آمریکا تمامی ابعاد استکباری اعم از استکبار سیاسی، استکبار نظامی، استکبار علمی، استکبار فرهنگی را با ابزارهای متنوع و مختلف به سایر کشورها اعمال کرده است و می کند. (باهوش فاردقی، ۱۴۰۲: ۱۲۸-۱۳۲)

حضرت امام بر اساس دیدگاه انسان شناسانه خویش، حکومت پهلوی را ترکیب و مخلوطی از قوه شهویه و غضبیه می داند و بیان می دارد «دولت ایران و شاه ایران معجونی است که معلوم نیست چه جور [است]: «شتر گاو پلنگ» یک چیزی است؛ «شیر، گاو، پلنگ» یک بساطی است در ایران» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۴۳).

همچنین حضرت امام (ره) در بعد منطقه ای، رژیم صهیونیستی را رژیمی سبعی و با غلبه قوه سبعیت و سلطه گری می شناسد چنانکه همین قوه را در تحلیل شخصیت صدام غالب می داند و می فرماید: «اصلاً در روحیه صدام این تبهکاری است و آدمکشی و جنایت است. اگر - خدای نخواست - این یک سلطه ای پیدا بکنند، حجاز را از بین می برد، سوریه را از بین می برد، این کشورهای خلیج را، کویت را هم؛ همه اینها را از بین خواهد برد... جنس این آدم این طوری است... همان طوری که جنس اسرائیل این طور است که جنایتکار است و به جنایت دل خوش می کند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۸۵).

امام خمینی در ابعاد جهانی و بین المللی شوروی را جزء دولت های سبعیه و سلطه گر معرفی میکنند و در عین حال، آمریکا را با توجه به دارا بودن هر سه وجه سبعیت، بهیمیت و شیطنیت نظامی شامل ترکیبی از هر سه قوه جاهله میدانند. (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۲۰۷)... حضرت امام (ره) در توصیف جاهله و عقلانیت نداشتن دولتهای استکباری به تفاوت عقلانیت و شیطنت (بر

اساس ترازوی انسانیت) می پردازند: «این عقلی که من عرض می کنم آن عقلی است که «ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» و اَلَا - تدبیر - شیطنت و تدبیر را اینها هم دارند. اما آن عقلی که عقل سالم باشد و بتواند انسان را به ارزش های انسانی برساند ندارند.» (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۲۰۸). به این ترتیب حضرت امام خمینی، دولتها و دولتمردانی چون صدام و اسرائیل به دولتهای سبعیه را دسته بندی می کنند. ایشان دولت امریکا را علاوه بر شیطان بزرگ بودن و غلبه قوه شیطنت (واهمه) شامل دولتی مرکب از سه قوه شیطنی-شهوویه-سبعیه نام می نهد. (امام خمینی، ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۴۸۹) حضرت امام(ره) دولتهای جاهله و استکباری را موجوداتی تربیت نشده می داند که یکی از قوای جاهله همچون قوه غضبیه یا قوه شهویه و یا قوه شیطنت در آنها از حالت قوه به حالت فعلیت رسیده و از سوی دیگر برخلاف حیوانات، شعاع و دامنه فعالیت آنها نامحدود است. دولتهایی که با حمله به سایر کشورها و استعمار ملتها اوج فعلیت قوای جاهله خود را عیان می سازند.

جدول شماره ۲. نسبت قوای نفس و انواع دولت و تمایل آن(منبع: یافته های پژوهش)

| قوای نفس انسان | انواع دولت | تمثیل | شاخصه و جهتگیری | تطبیق |
|-----------------------------|---------------------------|-------------------------|--|---------------------------------|
| ۱ قوه عاقله | عقلانیت محور | فرشته و بالاتر از فرشته | توحیدی- حق گرا | انبیاء، ائمه و حکومت ولایت فقیه |
| ۲ قوه بهیمیه | شهووت محور | گاو، خوک و.. | لذت گرایی - خودخواهی | |
| ۳ قوه سبعیه | خشونت محور | پلنگ، گرگ و امثال آن | درندگی-سلطه گرایی و کشورگشایی | هیتلر، صدام، اسرائیل |
| ۴ قوه وهمیه (شیطنت) | شیطنت محور | صورت یکی از شیاطین | فریبکاری- تمرکز بر انحراف باورها و افکار | |
| ۵ شهوت + خشونت محور | شهوت + خشونت محور | گاو پلنگ | ترکیبی از هر دو | حکومت پهلوی |
| ۶ شهوت + شیطنت محور | شهوت + شیطنت محور | گاو شیطان | ترکیبی از هر دو | |
| ۷ خشونت + شیطنت محور | خشونت + شیطنت محور | پلنگ شیطان | ترکیبی از هر دو | حکومت شوروی |
| ۸ خشونت + شهوت + شیطنت محور | خشونت + شهوت + شیطنت محور | گاو شیطان پلنگ | ترکیبی از همه | آمریکا |

نتیجه گیری

اندیشه سیاسی حضرت امام بر اساس نگاه هستی شناختی و انسان شناختی ایشان بنا نهاده شده است و نظرات و نظریه های سیاسی حضرت امام در سیاست داخلی و سیاست خارجی را تنها می توان با دیدگاه ایشان از سرشت و ماهیت انسان ادراک نمود. شناخت اندیشه سیاسی حضرت امام بدون توجه به مبانی هستی شناسی و انسان شناسی ایشان، ناقص و ناکامل است. در جهان بینی حضرت امام و اندیشه سیاسی ایشان، جایگاه کانونی به ماهیت و شناخت انسان تعلق دارد. بنیان هستی شناختی و انسان شناختی امام (ره) در آثار و آرای مختلف، با توجه به تفکیک ایشان از بنای عالم بر دو قوه عاقله و جاهله بنا نهاده شده است که البته در آثار مختلف ایشان در بیان ها و قالب های مشابهی نیز مطرح شده است. از دیدگاه امام خمینی (ره) قوای چهارگانه نفس در حد اعتدال، هر یک فضیلتی از فضایل انسانی هستند ولی افراط و تفریط در هر یک، رذیله و مسبب انواع شرور و بدی هاست. حضرت امام الگوی حکومت و دولت و سیاست ورزی را نیز بر اساس همین مدل انسان شناسانه خویش طرح ریزی کرده اند و هر یک از مفاهیم سیاسی را نیز تابعی از چنین نگرشی به نفس انسان قرار داده اند. به این ترتیب بر طبق قوای چهارگانه نفس (عاقله، واهمه، سبویه، شهویه)، دولتها نیز همچون انسانها دارای چنین ماهیتی هستند و بر طبق ملکه شدن یک یا چند مورد از این قوا، ماهیت آنها تغییر می کند. در دولت های توحیدی و فاضله و اخلاق گرا، قوه عاقله حاکم است. در دولت های جهانگشا و سلطه گر، قوه سبویه غالب است. در دولت های لذت گرا و غرق در فحشا قوه شهویه حاکم است و در دولت های فریبکار قوه شیطنه و واهمه غلبه دارد. از نگاه حضرت امام (ره) در میان دولت های گوناگون، دولت امریکا به عنوان شیطان اکبر، دولتی است که هر سه قوه جاهله در آن به حد اعلا غالب و حاکم است و واجد همه قوای جاهله، هم سلطه گری، هم شهوت رانی و هم فریبکاری و شیطنت به بالاترین حد خویش است.

فهرست منابع

- Antonio Gramsci, (2002), critical Assesment of leading Political philosophers Voutledge.
 Bahoush-Fardaghi, Mehdi (2023). "The Government of the Islamic Republic of Iran (Anti-Arrogance, Anti-Hegemonic, Supporter of the Oppressed)." Iranian Contemporary Government Studies Quarterly, Year 9, pp. 115-142.
 Farabi, Abu Nasr (1979). Siyāsāt al-Madaniyyah [The Political Regime], translated by Jafar Sajjadi. Tehran: Iranian Philosophy Association.

- Howarth, David (1998). *Discourse Theory*, translated by Seyyed Ali Asghar Soltani. *Political Science Quarterly*, No. 2, pp. 156-183.
- Khalili, Ali (2024). "Analyzing Political Legitimacy in Iranian Governments: From the Achaemenids to the Islamic Revolution." *Iranian Contemporary Government Studies Quarterly*, Vol. 9, No. 2, pp. 37-58.
- Khomeini, Ruhollah (1992). *Sharḥ-e Chehel Ḥadīth* [Commentary on Forty Traditions]. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (1999a). *Ṣaḥīfeh-ye Imām Khomeini* [Sahifeh-ye Imam (Collected Works of Imam Khomeini)]. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (1999b). *Jihād-e Akbar yā Mubārizah bā Nafs* [The Greater Jihad or Struggling Against the Self]. The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (2013). *Kashf al-Asrār* [Revealing the Secrets]. Qom: Mostafavi Publications.
- Khomeini, Ruhollah (2013). *Ma'ād az Dīdgāh-e Imām Khomeini* [Resurrection from the Viewpoint of Imam Khomeini]. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Khomeini, Ruhollah (2016). *Sharḥ-e Ḥadīth-e Junūd-e 'Aql va Jahl* [Commentary on the Tradition of the Soldiers of Intellect and Ignorance]. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Laclau, E and Mouffe, (2002)., c. *Recasting marxism in James martin*
- Laclau, E, Mouffe, C. (1985). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. London: Verso.
- Lakzaei, Najaf & Lakzaei, Reza (2011). "Analysis of the Islamic Revolution of Iran within the Framework of Transcendent Philosophy." *Matīn Quarterly*, Vol. 13, No. 51, pp. 131-155.
- Nikobakht, Naser (2016). *The Ideal City (Madinah al-Fāḍilah) from Imam Khomeini's Perspective*. Imam Khomeini Portal, Article Code: 53364.
- Rezvani, Mohsen (2002). "Principles and Indicators of Government Efficacy in Imam's Thought." *Political Science Quarterly*, No. 19.
- Rokabian, Rashid & Lakzaei, Najaf (2016). "The Theory of Ideal State in Imam Khomeini's Thought." *Islamic Revolution Research Quarterly*, Year 6, No. 19, pp. 121-141.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (Mulla Sadra) (1983). *Mabda' va Ma'ād* [Origin and Resurrection], translated by Ahmad ibn Muhammad Ardakani, edited by Abdollah Noorani. Tehran: University Publishing Center.
- Shirazi, Sadr al-Din Muhammad (Mulla Sadra) (1989). *Al-Ḥikmah al-Muta'āliyah fī al-Asfār al-'Aqliyyah al-Arba'ah* [The Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Journeys], Vol. 1. Qom: Mostafavi Library.
- Soleimani, Gholamali (2022). "Anthropological Foundations of Imam Khomeini's Foreign Policy." *Matīn Research Journal*, Vol. 24, No. 96, pp. 87-117.
- Vincent, Andrew (1991). *Theories of the State*, translated by Hossein Bashiriyeh. [Place not specified]: Nashr-e Ney.
- Zohairi, Alireza (2003). "The Ethical State in Imam Khomeini's Political Views." *Matīn Quarterly*, No. 21.

